



# جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده

○ مریم پاک نهاد جبروتی  
کارشناس ارشد زبان‌شناسی

## چکیده

نویسنده مقاله با مقایسه دو کتاب جامعه‌شناسی خانواده، تفاوت نگاه نو جامعه‌شناس زن و مرد را نسبت به نهاد خانواده و جامعه‌شناسی خانواده بررسی می‌کند.  
۱- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، دکتر باقر ساروخانی، تهران، ۱۳۷۵. چاپ دوم  
این کتاب در هشت فصل ارائه شده است که نبراهنهای هر فصل نو بخش پرسش و پاسخ و خلاصه فصل وجود دارد. در تمامی این بخشها، همسرگزینی، موضوع اصلی بحثهاست.

۲- جامعه‌شناسی خانواده، دکتر شهلا اعزازی، ۱۳۷۶.

## چاپ اول

این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است و ساختار و روابط اجتماعی در خانواده و مسائل مربوط به آن را بررسی می‌کند.

در بررسی ساختارهای خانواده آنچه بیشتر مورد توجه نویسنده بوده است، جایگاه زن در این ساختارهاست. نگاه وی به خانواده کاملاً زنانه است. نگاه نویسنده به جایگاه زن در این ساختارها از ویژگی‌های مثبت کتاب است. مقایسه دو اثر:

اعزازی زن را یکی از ارکان مستقل خانواده می‌داند و در بررسی اشتغال وی (به ویژه در ایران) وضعیت زن را با توجه به ابعاد و توانایی‌های انسانیش در نظر می‌گیرد. اما ساروخانی به کارکرد زن در تعامل با وظایفش در قبال مرد می‌نگرد. برخورد اعزازی کاملاً زنانه و رویکرد ساروخانی مردانه است.

اعزازی اشتغال زن را ضرورتی اجتماعی می‌داند که هیچ تعارضی با نقش مادری وی ندارد. اما ساروخانی اگر چه اشتغال زن را نفی نمی‌کند اما آن را ضروری نمی‌داند. برای او اشتغال زن در صورتی پذیرفتنی است که به مسئولیت‌های وی در خانه لطمه نزند. از سوی دیگر اعزازی معتقد است که زن (چه در مقام شاعل و چه در مقام خانه دار) با مشکلاتی مواجه است که به زن بودن او مربوط می‌شود نه به نوع فعالیتش.

## مقدمه:

خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین و نخستین نهادهای اجتماعی همواره مورد توجه متخصصین علوم انسانی بوده است و جایگاه آن به عنوان یکی از نهادهای اولیه اجتماعی همواره بحث‌های فراوانی را برانگیخته است. آنچه به بحث پیرامون خانواده اهمیتی به سزای می‌دهد تأثیر مستقیم آن بر نهادهای ثانویه اجتماعی است. از همین جاست که بررسی وضعیت خانواده در اجتماع موضوع شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و بررسی علمی آن در قالب پژوهش‌ها، رسالات و کتاب‌های متعددی مطرح می‌گردد. اما بررسی میزان اعتبار علمی تحقیقات صورت گرفته نیز موضوع بحث‌های دیگری در حیطه نقد و تحقیق است و چالش‌های مهمی را می‌طلبد. یکی از موضوعاتی که در این حیطه مطرح می‌گردد تأثیر ویژگی‌های فرهنگی محققین بر نتایج پژوهش است. به عبارت دیگر آیا نگرگاه محققین بر نتایج حاصل از تحقیق تأثیر گذاشته است یا اینکه محققین توانسته‌اند به دور از این تأثیرات به داوری علمی و به دور از هرگونه جانبداری شخصی بنشینند؟

برای پاسخ به همین پرسش است که در این مقاله می‌کوشیم با نقد و بررسی دو کتاب با عنوانی مشترک در همین حیطه که از سوی دو جامعه‌شناس با جنسیت‌های متفاوت مطرح شده است به بررسی تأثیر جنسیت محقق بر روند تحقیق بپردازیم. این کتاب‌ها عبارتند از:

۱- «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده» نوشته دکتر

باقر ساروخانی، استاد دانشگاه تهران / ۱۳۷۵ / چاپ دوم

۲- «جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و

کارکرد خانواده در دوران معاصر» نوشته دکتر شهلا اعزازی،

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی / ۱۳۷۶ / چاپ اول

در این بررسی پس از معرفی کلی و نقد هر یک از این کتاب‌ها کوشیده‌ایم با نگاهی به تأثیر جنسیت بر دیدگاه‌های جامعه‌شناسی دو متخصص علم جامعه‌شناسی

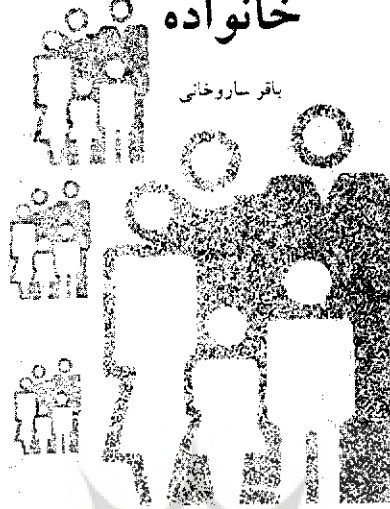
به بررسی و موسکافی و مقایسه نوشته‌های آنان بپردازیم. نقد و بررسی:

الف) «جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر» / دکتر شهلا اعزازی همانطور که نویسنده در پیشگفتار مطرح نموده است، هدف نهایی این کتاب طرح تأثیرات متقابل جامعه و خانواده بر یکدیگر و شناخت ویژگی‌های خانواده معاصر است. در همین ارتباط در جای‌جای کتاب پس از طرح موضوع در جوامع دیگر، بحث به بررسی وضعیت در ایران بازگشته است.

کتاب در پنج بخش ارائه گردیده است. بخش اول «ساختار و روابط اجتماعی در انواع خانواده‌های دوران گذشته» نام دارد و بررسی‌ای تاریخی در باب انواع خانواده و تطور آن را مطرح می‌کند. نکته بسیار ارزشمندی که در این بررسی نهفته است ارائه پیش‌زمینه و پایه برای بحث‌های آتی کتاب است که به آن جامعیت مناسبی می‌بخشد. بخش دوم «ساختار و روابط در خانواده هسته‌ای» نام دارد و نویسنده با در نظر گرفتن خانواده هسته‌ای به عنوان مهمترین شکل خانواده در دوران معاصر کوشیده است با بررسی ساختار و جنبه‌های مختلف بنیادی، آن را از دیگر اشکال خانواده جدا کند. بخش سوم «نقش‌های خانوادگی» نام دارد و نویسنده در آن به بررسی نقش افراد در خانواده پرداخته است. بخش چهارم «کارکرد اجتماعی کردن خانواده» نام دارد و همان‌طور که نویسنده خود بیان می‌کند نگاه این بخش متوجه رفتارهای متفاوت در خانواده‌های اقشار مختلف جامعه است. علاوه بر این به تفاوت‌های برخورد با فرزند دختر و پسر از طرف خانواده نیز توجه می‌شود. بخش پنجم «پدیده خشونت خانوادگی» نام دارد و به بررسی این معضل به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات خانواده به‌ویژه خانواده معاصر می‌پردازد. اعزازی با طرح مجموعه‌ای کلی از مسائل و مضلات خانواده نگاهی کلان به وضعیت خانواده دارد و خانواده را

## مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده

یاقر ساروخانی



ساروخانی مبنای بحث‌های خود را بر اساس دیدگاه «همسان همسری» قرار داده و به نظرات مخالف با آن بی‌توجه بوده است

نثر سلیس و روان کتاب ساروخانی و تعاریف روشن آن، حتی خواننده غیردانشگاهی را نیز جذب می‌کند

یکی از نکات مهم در کار اعزازی، توجه عمیق به دیدگاه‌های جامعه‌شناسان مکاتب مختلف فکری نسبت به خانواده است

نگاه اعزازی به خانواده با رویکردی کاملاً زنانه و توجه عمیق به زن در مقابل دیگر ارکان خانواده است

با دیدگاهی کلی و به صورت واحدی از یک شبکه درهم تنیده می‌نگرد. به زعم وی بررسی زوایای تاریک و روشن مجموعه انسانی خانواده خارج از شبکه اجتماعی ممکن نیست. یکی از نکات مهم در کار اعزازی توجه عمیق به دیدگاه‌های جامعه‌شناسان مکاتب مختلف فکری نسبت به خانواده است. در واقع وی کوشیده است خانواده را در چارچوب‌های مختلف مطرح کند. از این روست که در معرفی انواع خانواده به سیر تطور تاریخی خانواده می‌نگرد و می‌کوشد با توجه به تأثیر تغییرات اجتماعی جوامع مختلف، ساختارهای مختلف خانواده را معرفی نماید. اما آنچه در این بخش مورد توجه فراوان قرار می‌گیرد جایگاه زن در هر یک از این ساختارهاست. در واقع در طرح هر یک از دیدگاه‌ها آنچه مورد توجه اصلی قرار گرفته نقطه نظر مکتب فکری مورد نظر نسبت به زن است. به عبارت دیگر نگاه وی به خانواده با رویکردی کاملاً زنانه و توجه عمیق به زن در مقابل دیگر ارکان خانواده است به گونه‌ای که در مواردی بررسی فقط با توجه به «زن» صورت گرفته است و شاید همین امر یکی از نکات منفی کار وی باشد چه نویسنده در هیچ جای کتاب اشاره‌ای به این موضوع نکرده است که وضعیت زن در خانواده است که مورد توجه خاص وی قرار گرفته است.

از نکات مثبتی که نویسنده همواره رعایت کرده است توجه به وضعیت خانواده در ایران است. در واقع در هر یک از بخش‌های کتاب پس از بررسی وضعیت مطرح شده در دیگر نقاط جهان همان موضوع در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. همین نکته به کارآیی کتاب و تازگی نگاه آن کمک می‌کند. چه پژوهش‌های اندکی هم که در زمینه مسائل خانواده در ایران صورت گرفته‌اند همواره با تأکید بر الگوهای خارجی بوده‌اند.

یکی از مواردی که در تضعیف بخش‌های مختلف کتاب نقشی به سزا داشته است وجود اشکالات ترجمه‌ای نسبتاً فراوان به هنگام استفاده از منابع خارجی است که از

روانی کتاب کاسته است. از جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

... و معتقد است که خانواده‌های (هسته‌ای) در آمریکا سنخ معمول خانواده را ارائه می‌دهند. «اما خانواده‌ای که بتوان آن را نمونه‌ای از سنخ نکاحی معرفی کرد و در خانه‌ای جدا از منازل والدین زن یا شوهر (اگر هنوز در قید حیات باشند) به سر می‌برد و از لحاظ اقتصادی در قبال هر دوی آنها استقلال دارد. این جدایی جغرافیایی در بخش وسیعی از موارد، قابل ملاحظه است...» ص ۶۶ [جمله ناقص]

این دیدگاه، طبیعتاً کارکردهای خانواده هسته‌ای را قبول دارند، اما در این جا سعی شده کارکردها در واقعیت مورد بررسی قرار گیرند نه در حالت آرمانی و ایده‌ال. ص ۱۷۵ [عدم تطابق فعل و فاعل]

می‌توان به درستی جواب داد که یکتا همسری نه تنها از میان نمی‌رود، بلکه آغاز به تحقق کامل خواهد نمود. ص ۸۳ [استفاده از عبارت فعلی اشتباه]

کتاب فاقد واژه‌نامه و نمایه نام‌هاست. علاوه بر آن بخشی به عنوان «فهرست منابع» ارائه شده است که ظاهراً کتابنامه هم در داخل آن مطرح شده است حال آنکه تمایز این دو از چشم هیچ محقق پوشیده نیست. البته در کنار این نقطه ضعف‌ها ذکر این نکته نیز بی‌مناسبت نیست که منابع (یا به عبارتی کتابنامه) نشان از به کارگیری منابع نسبتاً جدیدی دارد که از امتیازات ویژه کتاب به شمار می‌رود.

و نکته آخری که ذکر آن بی‌مناسبت نیست، عدم وجود بررسی دقیق آماری در خصوص وضعیت زن در خانواده ایرانی (شاغل - خانه‌دار) است که موجب شده بیشتر از آمارهای خارجی استفاده شود. البته بر هیچ یک از پژوهشگران این شاخه پوشیده نیست که بررسی پیرامون عناصر و مسائل خانواده در ایران با مشکلات آنچنان عظیمی روبروست که گاه کار را به تعطیلی می‌کشاند. اما

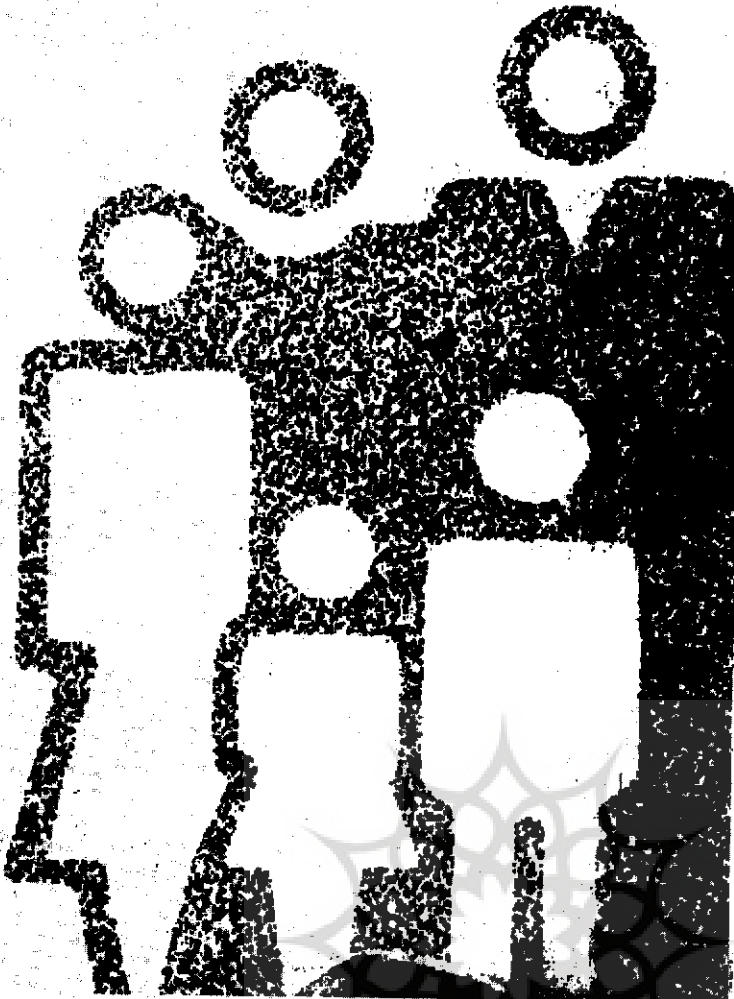
نباید فراموش کنیم که نمی‌توان از تحقیقات انجام شده در بافتی کاملاً متفاوت برای بررسی علمی در بافت دیگر استفاده کرد.

با تمام این تفاسیر باید اذعان داشت که کتاب مورد نظر با وجود تمام کاستی‌ها از منابع بسیار خوب این رشته در میان کتاب‌های تالیفی فارسی به شمار می‌رود و دارای نثری جذاب و نگاهی نو به زن (به عنوان یکی از ارکان مستقل خانواده) می‌باشد و همین خصوصیات به اضافه کاربرد منابع نسبتاً جدید، کتاب حاضر را به منبعی سودمند برای دانشجویان رشته جامعه‌شناسی و سایر علاقه‌مندان در این رشته بدل می‌کند.

ب (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده) / دکتر یاقر ساروخانی

همان‌گونه که از نام کتاب برمی‌آید و مؤلف محترم نیز اشاره نموده است، هدف از نگارش این کتاب در وهله اول آشنا ساختن افراد علاقه‌مند و دانشجویان به مبانی جامعه‌شناسی خانواده به عنوان یکی از شاخه‌های علمی جامعه‌شناسی است.

کتاب در هشت بخش تنظیم شده است و در تمامی بخش‌ها «همسرگزینی» موضوع اصلی بحث است. بخش اول «ازدواج و تطور آن» نام دارد و شامل تعریف خانواده از دیدگاه همسرگزینی و نیز بررسی سیر تطور آن است. بخش دوم با عنوان «همسان همسری قاعده جهانی همسرگزینی» به تشریح انواع همسان همسری‌ها به عنوان الگوی جهانی همسرگزینی می‌پردازد. بخش سوم با عنوان «انواع و صور ازدواج» انواع ازدواج‌ها در محدوده جهانی را معرفی می‌کند. عنوان بخش چهارم «گزینش همسر، علائق فردی و حد والدین» است و حدود روابط و تأثیرات ناشی از اعمال نظر والدین در همسرگزینی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش پنجم «ازدواج در ایران امروز» نام دارد که مسأله انتخاب همسر (از سوی مرد) در ایران را مورد توجه قرار می‌دهد. در بخش ششم با عنوان «خانواده و



انواع نظریه‌ها» نویسنده پس از ارائه تعاریفی کوتاه از انواع خانواده با توجه به دایره همسرگزینی به معرفی اجمالی دیدگاه‌های سه صاحب نظر (مورگان، دورکیم، و کلودلوی استراوس) می‌پردازد. بخش هفتم با عنوان «حیات خانواده و عوامل مؤثر بر آن: اشتغال زن و خانواده» تأثیرات ناشی از اشتغال زن بر خانواده و به تبع آن اجتماع را بررسی می‌کند و بالاخره بخش هشتم تحت عنوان «خویشاوندی و انواع آن» به معرفی اجمالی برخی از انواع روابط خویشاوندی در جهان می‌پردازد.

کتاب حاضر دارای وجوه مثبت و منفی فراوانی است که بررسی آن را به ویژه از آن رو که در حال حاضر در بیشتر موارد کتاب درسی درس دو واحدی جامعه‌شناسی خانواده به شمار می‌رود ضروری می‌سازد.

مهمترین نکته‌ای که در نگاه اول توجه خواننده را به خود جلب می‌کند عدم تجانس نام کتاب با محتوای آن است. در واقع نام کتاب به مبانی شاخه‌ای علمی، اشاره دارد حال آنکه محتوای کتاب کاملاً به بحث «همسرگزینی» که صرفاً یکی از مباحث این رشته است اختصاص یافته است. به عبارت دیگر مسائل و روابط ارکان و عناصر خانواده صرفاً در دایره همسرگزینی مطرح شده‌اند در حالیکه نویسنده در هیچ جای کتاب توضیحی درخصوص این عدم تجانس ارائه نداده است.

با مطالعه کتاب درمی‌یابیم که نویسنده مبنای بحث‌های خود را براساس دیدگاه «همسان همسری» قرار داده است. اما نکته مهمی که در این بررسی مشخص می‌گردد استفاده از نظریات موافق با این نظریه در توجیه مسائل و بی‌اعتنایی به نظرات دیدگاه «ناهمسان همسری» است. در واقع اگر هم در موضعی به دیدگاه اخیر توجهی شده با لحنی مخالف و بسیار مختصر بوده است. در همین ارتباط می‌توان به موردی اشاره کرد که نشان از موضع جانبدارانه نویسنده نسبت به مخالفین موضوع دارد:

در صفحه ۹۵ کتاب به «ازدواج آزمایشی» به عنوان یکی از انواع ازدواج اشاره شده است و در جریان معرفی این نوع ازدواج از جنبه‌های مختلف به این جمله برمی‌خوریم: «علی‌رغم فلسفه فریبنده و قابل پذیرش چنین اندیشمندانی، ازدواج آزمایشی مسائلی بزرگ برای جامعه و فرد به یار می‌آورد که اهم آنها چنین‌اند...»

در واقع کاربرد صفت «فریبنده» اعتبار علمی جمله مورد نظر را سلب کرده است و آن را تبدیل به ادعایی غیرعلمی نموده است و از آنجا که کتاب مورد نظر در وهله اول برای دانشجویان این رشته نوشته شده است حائز اهمیت است.

مورد دیگری که ذکر آن بی‌مناسبت نیست اشاره نویسنده به ابعاد مثبت وجود مراسم معتدل در ازدواج (صفحه ۹۸) است که گرچه مورد تأیید بسیاری از اندیشمندان است اما به خوبی نمایان‌کننده نگاه جانبدارانه مؤلف به مسأله است زیرا به دلایلی که این ابعاد مثبت را مورد تردید قرار می‌دهند اشاره‌ای ندارد.

در انتهای هر یک از فصل‌ها دو بخش به نام «پرسش و پاسخ» و «خلاصه فصل» وجود دارد. در اغلب موارد پرسش و پاسخ‌های انتهایی ربطی به موارد مطرح شده در

داخل متن ندارند. از این رو خواننده با خواندن متن کتاب هیچ پاسخی برای آنها نمی‌یابد. به عنوان نمونه در صفحه ۶۲ (انتهای فصل «همسان همسری از دیدگاه اجتماعی - تحصیلی») پرسش‌هایی در ارتباط با همسان همسری در ادیان مختلف مطرح شده است که نه تنها در متن هیچ اشاره‌ای به آنها نشده است بلکه حتی به موضوع متن نیز مربوط نمی‌شوند.

عنوان «خلاصه فصل» نیز عموماً هیچ تجانس با محتوای آن ندارد زیرا یا صرفاً ارائه پاره‌ای مطالب است که در حاشیه مطرح می‌شود و یا نظرات شخصی نویسنده است و به هیچ‌وجه خلاصه‌ای از متن به شمار نمی‌آید. به عنوان نمونه در صفحه ۶۱ کتاب به این مورد در خلاصه فصل (همسان همسری از دیدگاه اجتماعی - تحصیلی) برمی‌خوریم:

«همسان همسری از نظر تحصیلی همه جا به نفع زن صورت می‌پذیرد، بدین معنی که موجبات ارتقای زن را فراهم می‌سازد.» که نه تنها در متن هیچ اشاره‌ای به آن نشده است بلکه به علت عدم ارائه دلایل متقن صرفاً در حد ادعایی غیر علمی باقی می‌ماند.

یکی از مشکلات عمده‌ای که اعتبار علمی کار را تا حد زیادی مورد تردید قرار داده است استفاده از آمارهای قدیمی در بخش‌های مختلف کتاب است. پژوهش‌های اشاره شده به عنوان نمونه نیز عموماً قدیمی هستند. اما در بسیاری از موارد به عنوان دلایل ادعاهای نویسنده در تحلیل وضعیت کنونی جوامع مطرح شده‌اند. بنابراین باید در اعتبار آنها شک کرد، مثلاً فصل «حرک اجتماعی و

همسرگزینی» (صفحه ۱۲۲-۱۲۶) که با توجه به عنوان بخش (ازدواج در ایران امروز) باید وضعیت کنونی جامعه ایرانی را مورد بررسی قرار دهد براساس انجام تحقیقی در سال ۱۳۴۴ نگاشته شده است!

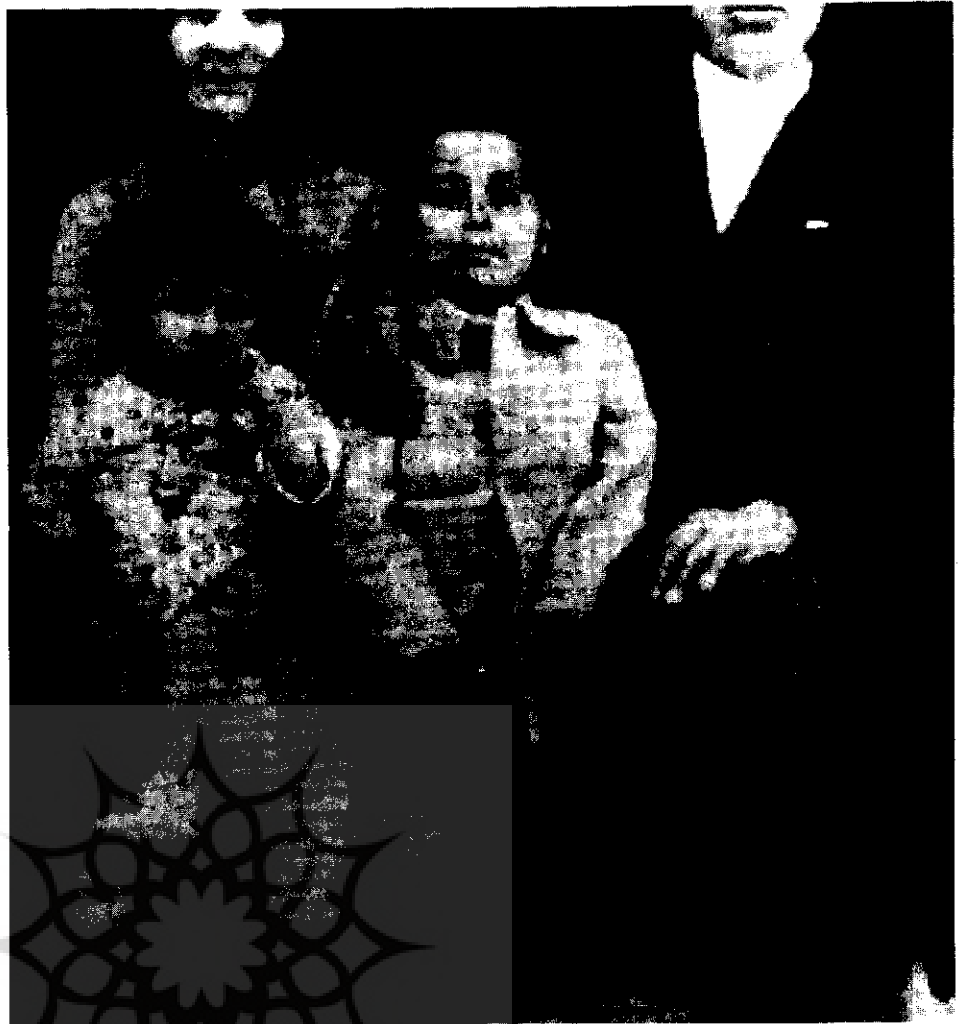
در مواردی مانند اشاره به تحقیق صورت گرفته در تهران درخصوص اشتغال زن در خانواده (صفحه ۱۷۸ - ۱۸۵) نیز هیچ اشاره‌ای به زمان انجام تحقیق صورت نگرفته است.

از سوی دیگر منابع و کتاب‌های اشاره شده به ویژه کتاب‌های خارجی با توجه به سال چاپ کتاب بسیار قدیمی‌اند و با توجه به تحولات صورت گرفته در اجتماع و به تبع آن ساختار خانواده، اعتبار تحلیل موضوع بر مبنای نظریات و آمارهای ارائه شده در آن کتاب‌ها را کاهش می‌دهند، علاوه بر این در این کتاب نیز کتابنامه و فهرست منابع تحت یک عنوان آمده‌اند.

در انتها لازم است اشاره‌ای هم به نثر سلیس و بسیار روان متن داشته باشیم که خواننده (حتی خواننده غیر دانشگاهی) را هم جذب می‌کند. به گونه‌ای که می‌توان کتاب را در یک نوبت و بدون خستگی تا به آخر خواند و از آن لذت برد. به ویژه آنکه تعاریف بسیار روشنی از انواع همسرگزینی‌ها ارائه می‌دهد که می‌تواند مرجع مناسبی برای بررسی‌های آتی باشد. وجود واژه‌نامه در انتهای کتاب نیز یکی دیگر از نکات مثبت کتاب به شمار می‌رود.

مقایسه دواتر:

یکی از مواردی که پژوهشگران همواره در روند تحقیق با آن درگیرند حذف تأثیرات ناشی از حضور عوامل خارجی



می‌کند:

گرنسهایم این سؤال را مطرح می‌کند که آیا واقعاً این نوع خانواده [ایده‌آل کارکردگرا] قسمتی از زندگی جمعی انسانی است یا پدیده‌ای جدید است که برای ارائه خدمات به مرد به‌وجود آمده است، او معتقد است که پدیده زن خانه‌دار - مادر اختراع قرن بیستم است که قدمتی کمی بیشتر از ۱۵۰ سال دارد. (ص ۱۵۱)

درباره زن شاغل نیز چنین می‌گوید:

باید توجه داشت که در بسیاری از موارد، تقسیم نقش جنسیتی، خود مانعی برای زنان در جهت پیشرفت شغلی است، زیرا زنان بسیاری به علت مسائل خانوادگی از انتخاب شغل دلخواه خود دور می‌شوند. (۵۶٪) در صورتی که مسائل خانوادگی به عنوان مانعی برای انتخاب شغل دلخواه تنها برای ۱۶ درصد از مردان مطرح است (۲۸۴: ۱۹۹۰: Bielby/Bielby). علاوه بر این زنان معمولاً از ساعات ناچیزی که در اختیار دارند به نفع رسیدگی به فرزندان و شوهر خود چشم‌پوشی می‌کنند (۲۸۴: ۱۹۹۰: Dempsey,

مهمترین موردی که اعزازی توجهی خاص به آن نشان می‌دهد پدیده فشار مضاعف است که به زعم وی حل آن در ایجاد تعادل در اجتماع انسانی بسیار مؤثر است. در واقع زن خانه‌دار - شاغل مورد توجه هر دو محقق محترم قرار گرفته است. ساروخانی پذیرش توانری بودن اشتغال زن را یکی از راه‌های مثبت برای حل مشکلات موجود در زمینه اشتغال زنان می‌داند (ص ۱۸۷) و در تایید آن می‌گوید: بنابراین هم آگاهی زنان و پذیرش واقعیت (با دوری از تخیل و ایده‌آل) از جانب آنان به چشم می‌خورد و هم توجه به ابعاد خانگی وظایف و رسالت‌هایشان. در این رئالیسم جای بسی امید است و پاسخی به گرایش‌های تند در اشتغال زنان (ص ۱۸۷)

اعزازی با اشاره به مشکلات ناشی از پدیده فشار مضاعف در این خصوص می‌کوشد از سویی خواننده را به شناخت صحیح وعینی‌تری از موضوع برساند و از سویی دیگر راه حل مشکل را بیابد. به نظر وی:

راه‌حل از میان بردن فشار مضاعف، تشویق زنان به خانه‌داری نیست... بلکه نگرش اجتماعی تسببت به این پدیده باید دگرگون شود، نه فقط زن‌ها به انجام فعالیت‌های اجتماعی تشویق شوند و امکانات به آنها داده شود، بلکه باید همراه آن سعی در دگرگونی تقسیم نقش سنتی در خانواده انجام گیرد تا از ایجاد شرایط تنش‌آفرین در خانواده نیز کاسته شود. (ص ۱۶۶)

در انتها این پرسش مطرح می‌شود که آیا جنسیت این دو جامعه‌شناس محترم در ارائه دیدگاه‌هایشان مؤثر بوده است یا خیر. به عبارتی دیگر چرا اعزازی با رویکردی زنانه به تحلیل خانواده پرداخته است حال آنکه ساروخانی با رویکردی مردانه همین مسأله را مورد بررسی قرار داده است؟ چرا عکس این حالت اتفاق نیافتاده است؟ اینها پرسش‌هایی هستند که پاسخ به آنها تعمق، پژوهش و چالشی بزرگتر را می‌طلبند.

دیگر در تمام موارد، اشتغال زن را یک ضرورت اجتماعی می‌داند که هیچ تعارضی با نقش مادری وی ندارد. حتی آنجا که صحبت از «فشار مضاعف» است به وظایف دولت در قبال کمک به مادران و پدران و تقسیم نقش‌های سنتی اشاره دارد (ص ۱۶۶). اما ساروخانی از منظری دیگر به موضوع نگاه می‌کند. در واقع، اگر چه وی اشتغال زن را نفی نمی‌کند و آن را به عنوان واقعیتی اجتماعی می‌پذیرد اما آن را یک ضرورت نمی‌بیند. برای او اشتغال زن در صورتی پذیرفته است که به رسالت‌های وی در داخل منزل لطمه‌ای نزند و به همین علت «توانری بودن اشتغال زن» را راهی مثبت به سوی حل معضلات مربوط می‌داند (ص ۱۸۷). حال آنکه حتی در صورت توانری بودن اشتغال زن باز هم نقش‌های خانه به تنهایی بر دوش زن است. ساروخانی جامعه‌ای را در تقلا با بازیابی تعادل می‌داند که در آن زنان و مردان رقیب یکدیگر نیستند. در واقع، اگر چه وی به تأثیر مثبت پذیرش نقش در خانه از سوی مرد اشاره دارد اما در نهایت صرفاً زن را مسؤوّل ارائه نقش‌های خانه می‌داند.

در این میان اعزازی با طرح اشتغال زن به عنوان یک ضرورت موضوع را با رویکردی کاملاً زنانه مطرح می‌کند. به عبارت دیگر وی بخش اعظم بحث خود را به بررسی وضعیت زن در نقش زن خانه‌دار و شاغل اختصاص می‌دهد. از نظر او زن (چه به عنوان شاغل و چه به عنوان خانه‌دار) دارای مشکلات خاصی است که به زن بودن او برمی‌گردد نه به نوع فعالیتش. در همین ارتباط وی با اشاره به گرنسهایم، وضعیت زن خانه‌دار - مادر را چنین توصیف

در مطالعه موضوع پژوهش است. از جمله این موارد می‌توان به ویژگی‌های شخصی محقق اشاره کرد. در واقع، یکی از مسائلی که بسیاری از پژوهش‌های کلاسیک را تحت‌الشعاع خود قرار داده است همین موضوع بوده است. از این رو در این مجال کوشیده‌ایم به بررسی تأثیر جنسیت محقق بر روند تحقیق بپردازیم. به همین منظور موضوع اشتغال زن که در هر دو کتاب مطرح گشته است مورد بررسی قرار گرفت. البته شکی نیست که بررسی حاضر صرفاً در حد نوعی مطالعه موردی است و به هیچ روی نمی‌توان آن را تعمیم داد. اما توجه به ابعاد آن نیز خالی از لطف نیست.

یکی از مسائلی که همواره در ارتباط با موضوع اشتغال زن مطرح می‌شود نقش وی به عنوان مادر است و نگاه اعزازی و ساروخانی از این منظر بسیار متفاوت است. اعزازی به زن به عنوان یکی از ارکان مستقل خانواده می‌نگرد و در بررسی اشتغال وی به‌ویژه در ایران وضعیت خود او را با توجه به ابعاد و توانایی‌های انسانی وی در نظر می‌گیرد اما ساروخانی به کار کردن زن در تعامل با وظایف در قبال مرد می‌نگرد. به عبارت دیگر ساروخانی از رویکردی کاملاً مردانه سود می‌برد حال آنکه این رویکرد در مورد اعزازی کاملاً زنانه است. بسامد بالای کاربرد واژه «زن» در کتاب اعزازی نیز شهادی بر این مدعا است که وی در روند تحقیق خود توجه عمیقی به جنسیت مؤنث دارد. اعزازی پدیده اشتغال زن را به هنگام بحث پیرامون تغییر نقش وی در خانواده مطرح نموده و همواره به تأثیر عوامل بیرونی بر این تغییر نقش توجه دارد. به عبارت